

# انقلاب ژینا و تغییر پارادایم مبارزه برای آزادی و عدالت در ایران و شرق کوردستان

سمکو ابراهیمی

”

مرگ ژینا، صرفاً یک حادثه تلخ نبود؛ بلکه کاتالیزوری بود که دیگ نارضایتی در حال جوشیدن را در ایران برافروخت. ارزیابی جامع قیام ژینا مستلزم تحلیل تأثیر آن بر چشم انداز سیاسی-اجتماعی ایران و شرق کوردستان است. جنبش با بسیج کنشگری مردمی و مقاومت استراتژیک، هژمونی ساختارهای قدرت موجود را مختل می‌کند و صدای به حاشیه رانده شده‌گان را تقویت می‌کند. حضور فراگیر و خیابان معترض و پویا، نقص‌های ذاتی در نظم غالب را آشکار می‌کند و زمینه را برای تغییر اساسی فراهم می‌کند.

“

## مقدمه

قیام توده‌های تحت ستم در ایران، علیه ستم و بی‌عدالتی و تلاش برای تأسیس مشروطیت و دولت قانونمند از ابتدای شکل‌گیری ایران مدرن، بیش از یک قرن است که ادامه داشته و با فراز و فرودهای بی‌شماری روبرو بوده‌است. تمامی احزاب و جریانهای فکری و سیاسی و فرهنگی در ایران که در طول این دوره تاریخی شکل گرفته‌اند دارای گفتمان و آرمانهای مشخص و بعضاً مشابه یا متمایزی بوده‌اند. در میدان عمل و پراکتیک نیز ابتکارات خاص خود را دارا بوده‌اند. در پیشبرد جریان آزادیخواهی و عدالتخواهی در ایران مؤثر بوده و برخی از آنها نیز سد راه آن شده‌اند. با این وجود، هیچ یک از جریانهای مزبور نتوانسته‌اند به هدف غایی خود دست پیدا نکنند.

جامعه مدنی و تشکل‌ها و احزاب و گروههای سیاسی هر کدام به نوعی به مقابله با سیستم برخاسته و در ادامه با سرکوب و افول و حتی ناکارآمدی عملی و گفتمانی روبرو شده‌اند. در گذر تاریخ، هم شیوه‌های سرکوب از جانب سیستم حکومتی تغییر پیدا کرده و هم جنبش‌های مقابله با سیستم نیز دچار تحول ساختاری و گفتمانی شده‌اند. با توجه به اینکه هیچ یک از جنبش‌ها و احزاب و گروههای سیاسی و طرز تلقی‌های غالب در ایران و کوردستان نتوانستند به آلترناتیو مؤثری برای غلبه بر وضع موجود تبدیل شوند و از طرفی نیز ساختار حاکم هر روز به دامنه سرکوب و ناکارآمدی‌های خود می‌افزود، در نتیجه جامعه و فضای دو قطبی شده به حد انفجار رسید و در نهایت در جنبش ژینا در شهریور ماه ۱۴۰۱ مرزبندی‌ها و جبهه‌ها به طور کامل در دو طیف گفتمانی و ترجمان عینی و عملی نمود پیدا کرد. در یک طرف، گفتمان رادیکال آزادیخواهی و عدالت‌خواهی و در طرف مقابل، گفتمان و ساختار

تمامیت‌خواهی و سهم‌خواهی از قدرت با حفظ مناسبت‌های موجود، قرار گرفتند و این مرزبندی در ادامه جنبش ژینا به صورت روشنتری مشخص گردید. این روند در طول تمام سالهای حیات جنبشهای سیاسی و آزادیخواهی در ایران وجود داشته‌است اما صرفاً در شدت و حدت آن تفاوت‌های جزئی وجود داشته‌است. با این اوصاف می‌توان گفت که فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در ایران و شرق کوردستان بدون شک به دو بازه زمانی و گفتمانی پیش‌ژینایی و پس‌ژینایی تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی از لحاظ عملی و گفتمانی دربرگیرنده تحولات بنیادینی برای جنبش آزادیخواهی در ایران و شرق کوردستان می‌باشد. مبارزه برای آزادی و عدالت در ایران و کوردستان حماسه‌ای از استقامت، پایداری و پیروزی با فراز و فرود در میان چالش‌های همیشگی بوده‌است. جنبش ژینا (ژن، ژیان، نازادی) به عنوان یک لحظه محوری در این تداوم تاریخی ظاهر می‌شود و تغییری متمایز در گفتمان و کنش در مبارزه برای رهایی را نشان می‌دهد.

مبارزه برای آزادی و عدالت در ایران و شرق کوردستان شاهد جنبش‌ها و ایدئولوژی‌های بی‌شماری بوده‌است که هر یک اثر خود را در آگاهی جمعی منطقه بر جای گذاشته‌است. با این حال، در چارچوب جنبش ژینا (ژن، ژیان، نازادی) است که ما شاهد همگرایی عمیقی از فعالیت‌های جامعه مدنی، توانمندسازی زنان، مشارکت جوانان و عاملیت سیاسی کوردی هستیم. این مقاله به دنبال کشف قدرت دگرگون‌کننده این بازیگران در قیام ژینا، بررسی نقش‌ها، مشارکت‌ها و مطالبات آنها در شکل‌دهی مسیر مبارزه برای رهایی است. بنابراین نگارنده در این نوشتار، با توجه به تجربه زیسته و واقعیت‌های میدانی، به بررسی این تحولات اساسی و همچنین آموزه‌های خیابان در قیام ژینا

برای احزاب و گروه‌های سیاسی و فعالان این حوزه و دستاوردهای این جنبش برای حال و آینده ایران و کوردستان می‌پردازد. نقش حیاتی بازیگران جامعه مدنی، به ویژه زنان کرد را که در خط مقدم این قیام تاریخی بازی می‌کنند، بررسی خواهد شد. علاوه بر این، پتانسیل ملت کرد را با سابقه طولانی مقاومت و احساس قوی هویت فرهنگی، برای کمک به یک ایران دموکراتیک تر یا حتی اقدام در تغییر مسیر خود به سوی تعیین سرنوشت، تحلیل خواهد شد.

### عصیان فراگیر و قیام ژینا

قیام جنبش ژینا نشان‌دهنده اوج سال‌ها نارضایتی و سرکوب سیستماتیک است. همانطور که شعار اصلی آن نشان می‌دهد، این نماد یک فریاد یکپارچه برای حقوق اساسی و کرامت در سراسر ایران و شرق کوردستان است. اصول زنانگی، زندگی و آزادی به مثابه فریادهایی برای به حاشیه رانده‌شدگان عمل می‌کند و آنها را به اقدام علیه ساختارهای قدرت ریشه‌دار تبدیل می‌کند.

بررسی دقیق‌تر قیام ژینا، ماهیت مردمی و جذابیت گسترده آن را نشان می‌دهد. از مراکز شهری گرفته تا روستاهای دورافتاده، مردم با پیشینه‌های مختلف زیر پرچم ژینا متحد می‌شوند و وضعیت موجود را به چالش می‌کشند و خواهان تغییرات اساسی هستند. توانایی جنبش برای بسیج حمایت توده‌ای و تداوم حرکت از طنین آن با تجربیات زیسته شهروندان عادی سخن می‌گوید.

جمعیت کورد از دیرباز در خط مقدم مبارزه برای خودمختاری و برابری در منطقه بوده‌است. کوردها که از لحاظ تاریخی به حاشیه رانده شده و تحت ستم قرار گرفته‌اند، قرن‌ها تبعیض و آزار و اذیت را تحمل کرده‌اند و عزم آنها را برای احقاق حقوق خود و بازپس‌گیری هویت خود تقویت کرده‌اند.

مقاومت کوردها در برابر رژیم‌های سرکوبگر به عنوان یک کاتالیزور برای جنبش‌های اجتماعی گسترده‌تر از جمله قیام ژینا عمل می‌کند که از مقاومت و عزم ملت کورد الهام می‌گیرد.

زنان کورد نقش اساسی در توانمندسازی و بسیج جامعه خود دارند. آنها علیرغم مواجهه با اشکال متقاطع ستم بر اساس جنسیت، قومیت و طبقه، در خط مقدم جنبش‌های مقاومت، در پی به چالش کشیدن هنجارهای مردسالارانه و دفاع از برابری جنسیتی بوده‌اند. قیام ژینا بستری را برای زنان کورد فراهم می‌کند تا صدای خود را تقویت کنند و از حقوق خود دفاع کنند و در نتیجه نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تغییر دهند.

مشخصه انقلاب ژینا ماهیت فراگیر آن است که از گروه‌های مختلف جامعه مدنی، سازمان‌های زنان، گروه‌های جوانان و احزاب سیاسی کورد قدرت می‌گیرد. در هسته خود، جنبش مظهر مطالبات و آمانه‌های جوامع به حاشیه رانده شده برای عزت، عدالت و آزادی است. زنان، در قیام ژینا، در به چالش کشیدن هنجارهای جنسیتی سنتی و بازپس‌گیری عاملیت خود در مبارزه با ظلم، نقش محوری را ایفا می‌کنند.

قیام جنبش ژینا (ژن، ژینان، نازادی) بیانگر لحظه‌ای محوری در تلاش برای آزادی و عدالت در ایران و شرق کوردستان است. با این حال، شناخت نقش اساسی ملت کورد در تسریع این انقلاب توانمندسازی ضروری است. جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس در سال ۱۳۵۷، همواره حقوق اولیه شهروندان را زیر پا گذاشته‌است. به ویژه زنان با انبوهی از قوانین و مقررات تبعیض آمیز روبرو هستند. حجاب اجباری که از طریق «گشت ارشاد» بدنام اعمال می‌شود، یادآوری دائمی انقیاد آنهاست. ملت کورد، مدت‌هاست که در ایران با به حاشیه راندن

و پردر شده‌گی و سرکوب هویت فرهنگی خود مواجه بوده‌اند. دولت ایران به رسمیت شناختن رسمی زبان و هویت جمعی آنها را رد کرده و مشارکت و نمایندگی سیاسی آنها را با قوانین نوشته و نانوشته محدود و منع کرده‌است. این نارضایتی در حال انفجار بارها و بارها به اعتراضات در طول دهه‌ها تبدیل شده‌است، اما هیچ یک مانند جنبش ژینا توجه فراگیر و جهانی را جذب نکرده و شتاب پایداری را به خود اختصاص نداده‌است.

جمهوری اسلامی ایران سایه‌ای طولانی از ظلم و ستم بر شهروندان خود انداخته‌است. در حالی که انقلاب خلق‌های ایران علیه استبداد سلطنت پهلوی توسط روحانیون مذهبی ربوده شد و به انقلاب اسلامی بدل گشت که در ابتدا وعده آزادی و عدالت را می‌داد، به سرعت به یک حکومت دینی تبدیل شد که تفسیری سفت و سخت از قوانین اسلامی را در خود جای داد. این سیستم به طور سیستماتیک حقوق اساسی بشر را به ویژه برای زنان و اقلیت‌های قومی تضعیف کرده‌است.

### ارزیابی میدانی قیام ژینا و انقیاد سیستماتیک در جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی دوران پسرفت را برای زنان آغاز کرد. قوانین فقهی در ابعاد مدنی و کیفری و کار و استخدامی و اداری حقوق آنها را به شدت محدود کرد. حجاب اجباری که از طریق «گشت ارشاد» اجرا می‌شود، به نماد همیشگی انقیاد آنان تبدیل شده‌است. زنان با محدودیت‌هایی در زمینه تحصیل، اشتغال و سفر بدون اجازه قیم مرد مواجه هستند. تبعیض بر پایه سیستم حقوقی اجرا می‌شود و در تمامی لایه‌های حیات خانوادگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نمود پیدا کرده و در درجه اول برای زنان و اقلیت‌های غیر فارس و غیر شیعه با شدت هر

چه تمامتر اعمال می‌شود. در ارتباط با کوردها، این ظلم و ستم سیستماتیک برای چندین دهه به خشم ملت کورد دامن زده‌است. قیام‌های پراکنده در طول سال‌ها، به‌ویژه در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰، پس از انقلاب رخ داده‌است. این قیام‌ها با خشونت وحشیانه سپاه و ارتش ایران مواجه شد که منجر به جان باختن و ناپدید شدن هزاران نفر شد. اعدام‌های دسته جمعی زندانیان سیاسی کورد در سال ۱۳۶۷ توسط رژیم ایران و همچنین هجوم نظامی به شهرها و روستاها و قتل‌عام‌های گسترده نمونه‌ای از مشی تبعیض‌آمیز و سرکوب سیستماتیک این نظام سیاسی بوده‌است.

در این بستر نارضایتی در حال انفجار، قتل ژینا امینی جرقه‌ای شد که آتش خیزش سراسری را شعله‌ور ساخت. سرنوشت غم‌انگیز ژینا عمیقاً در میان میلیون‌ها کورد و ایرانی که آرزوی آزادی، عدالت و حق تعریف هویت خود را داشتند طنین انداز شد.

مرگ ژینا، صرفاً یک حادثه تلخ نبود؛ بلکه کاتالیزوری بود که دیگ نارضایتی در حال جوشیدن را در ایران برافروخت. ارزیابی جامع قیام ژینا مستلزم تحلیل تأثیر آن بر چشم انداز سیاسی-اجتماعی ایران و شرق کوردستان است. جنبش با بسیج کنشگری مردمی و مقاومت استراتژیک، هژمونی ساختارهای قدرت موجود را مختل می‌کند و صدای به حاشیه رانده شده‌گان را تقویت می‌کند. حضور فراگیر و خیابان معترض و پویا، نقص‌های ذاتی در نظم غالب را آشکار می‌کند و زمینه را برای تغییر اساسی فراهم می‌کند.

در ارزیابی پویایی میدانی قیام ژینا، توجه به چالش‌ها و موانعی که فعالان و سازمان‌دهندگان با آن روبرو هستند بسیار مهم است. از سرکوب دولتی گرفته تا اختلافات داخلی، جنبش در مسیر رهایی





<https://www.akhbar-rooz.com/186725/1401/10/03/>

برمی‌گرداند. همین موضوع، کلیدی‌ترین و گویاترین تفاوت انقلاب ژینا با حرکتها و اعتراضات و جنبشهای پیشین آن می‌باشد. انقیاد و استیلا و سلطه را به طور مطلق رد می‌کنند و به جای نظم عمودی به دنبال پیاده‌سازی نظم افقی می‌باشد.

### آموزه های قیام ژینا

محور اصلی جنبش ژینا آموزه‌های آن است که بینش عمیقی در مورد ماهیت قدرت، مقاومت و دگرگونی اجتماعی ارائه می‌دهد. با اولویت دادن به فراگیری و همبستگی، این جنبش از مرزهای سنتی جنسیت، قومیت و طبقه فراتر می‌رود و حس عاملیت جمعی را در میان مبارزان تقویت می‌کند. علاوه بر این، تأکید آن بر مقاومت غیرخشونت‌آمیز و با حفظ حق دفاع مشروع برای شهروندان، بر ضرورت اخلاقی اعتراض مسالمت آمیز در برابر ظلم تأکید می‌کند. با توجه به واکنش های قهرآمیز و بربرانه حکومت، مبارزان حق دفاع مشروع را برای خود ملحوظ داشته و علیرغم نابرابری سلاحها، مردم گهگاهی در این جنبش به دفاع مشروع متوسل شده و

خود با موانع متعددی مواجه شد. با این حال، دقیقا از طریق این مبارزات است که انعطاف پذیری و عزم مبارزان قیام ژینا از طریق آن می‌درخشد و بر پتانسیل دگرگون کننده کنش جمعی تأکید می‌کند.

ارزیابی انتقادی از قیام ژینا، نقش کاتالیزوری سازمان های جامعه مدنی، گروه های زنان، فعالان جوانان و بازیگران سیاسی کورد را آشکار می‌کند. این ذینفعان متنوع با یکدیگر همکاری می‌کنند و بسیج می‌شوند و ساختارهای قدرت ریشه دار را به چالش می‌کشند و صدای حاشیه را تقویت می‌کنند. مشارکت زنان و جوانان نشاط و پویایی را به جنبش تزریق می‌کند و دامنه و تأثیر آن را گسترش می‌دهد.

انقلاب ژینا برای اولین بار در تاریخ مبارزات سیاسی و جنبش های سیاسی و اجتماعی در ایران، شرم و تعارف را کنار گذاشته و هر گونه انقیاد و خودکدخداپنداری را پس می‌زند و صدای طردشده‌گان را فریاد می‌زند. به جای پس زدن ناظم، به طور کلی نظم را پس می‌زند و نظم مرکز- پیرامون را نفی می‌کند و طرد شده‌گان را به متن



آن را حق ذاتی خود پنداشته و بر ضرورت وجود آن با توجه به نوع واکنش حکومت و حتی گفتمان مرکزگرا تأکید کرده‌اند.

آموزه های انقلاب ژینا به عنوان اصول راهنما برای فعالان و سازمان دهندگان عمل می‌کند و استراتژی‌ها و تاکتیک‌های آنها را در مبارزه برای رهایی شکل می‌دهد. این جنبش با ترویج گفتگو، اجماع‌سازی و ائتلاف‌سازی، فرهنگ همکاری و حمایت متقابل را تقویت می‌کند. این به نوبه خود، انعطاف‌پذیری جامعه ژینا را تقویت می‌کند و ظرفیت آن را برای ایجاد تغییرات معنی‌دار افزایش می‌دهد.

کانون آموزه‌های ژینا، توانمندسازی زنان، جوانان و جوامع به حاشیه رانده شده در جامعه مدنی است. این جنبش بر اهمیت فرآیندهای تصمیم‌گیری فراگیر، دموکراسی مشارکتی و برابری جنسیتی تأکید می‌کند. انقلاب ژینا با پرورش فرهنگ گفتگو، همبستگی و عدم خشونت، الهام‌بخش نسل جدیدی از فعالان و رهبران متعهد به عدالت اجتماعی و حقوق بشر است.

قیام ژن، ژیان، نازادی، با پیامدهای عمیق و پیامدهای گسترده، اثری محو‌نشده در جنبش‌های آزادی‌بخش ایران و کوردستان بر جای گذاشته‌است. برخی از بزرگترین نتایج و پیامدهای این قیام عبارتند از:

● **توانمندسازی گروه‌های طرده‌شده:** یکی از مهم‌ترین پیامدهای قیام ژن، ژیان، نازادی، توانمندسازی گروه‌های فراموش شده و انکار شده، به‌ویژه زنان و جوانان در جامعه ایرانی و کوردی است. قیام، با تقویت صدای آنها و دفاع از حقوق خود، ساختارهای سنتی قدرت را به چالش می‌کشد و فرهنگ فراگیری و همبستگی را پرورش می‌دهد.

● **شکل‌گیری مجدد گفتمان سیاسی:** انقلاب، منجر به تغییر شکل اساسی گفتمان سیاسی در ایران و کوردستان شده است و مسائل

مربوط به برابری جنسیتی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی را به عنوان پیش‌فرض هر اقدامی طرح می‌کند. این تغییر گفتمان نه تنها هنجارهای رایج را به چالش می‌کشد، بلکه زمینه را برای تحول و اصلاحات اجتماعی گسترده تر فراهم می‌کند. این گفتمان برخلاف رویکردهای مبارزاتی سیاسی پیشین که بر روی تغییر نظم متمرکز شده بود، تغییر بنیادین در مناسبت و نظم مرکز-پیرامون را در کانون اصلی مطالبات خود قرار داده است. انقلاب ژینا آغازی بر پایان نظام ارباب-رعیتی و مناسبت‌های خدا-شاه محوری و نظام ولایی-قیم - محوری در ایران می‌باشد.

● **تقویت جامعه مدنی:** قیام ژن، ژیان، نازادی، جنبش‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی را احیا کرده‌است و بستری برای اقدام و حمایت جمعی فراهم کرده‌است. با بسیج حمایت مردمی و تقویت مشارکت جامعه، قیام ساختار جامعه مدنی را تقویت می‌کند و ظرفیت آن را برای ایجاد تغییرات معنادار افزایش می‌دهد.

● **گسترش فضاهای دموکراتیک:** هم در ایران و هم در کوردستان، قیام منجر به گسترش فضاهای دموکراتیک و تجسم مجدد مشارکت سیاسی شده‌است. این قیام با به چالش کشیدن رژیم‌های اقتدارگرا و حمایت از حکومت دموکراتیک، راه‌هایی را برای مشارکت بیشتر شهروندان و نمایندگی سیاسی باز می‌کند.

همبستگی در میان جنبش‌های آزادی‌بخش: قیام ژن، ژیان، نازادی، همبستگی بین جنبش‌های آزادی‌بخش مختلف در ایران و کوردستان و همچنین در سراسر منطقه را تقویت می‌کند. این قیام با برجسته کردن مبارزات مشترک و آرمان‌های مشترک، پیوندهای همبستگی و همکاری را بین بازیگران مختلف اجتماعی و سیاسی تقویت

می‌کند.

● **آگاهی و حمایت بین‌المللی:** این قیام توجه و حمایت بین‌المللی را به خود جلب کرده‌است و بر وضعیت اسفبار جوامع نفی شده و انکار شده، در ایران و کوردستان و دیگر مناطق طرد شده ایران بر پایه قومیت و ملیت و مذهب، متمرکز شده‌است. این قیام با افزایش آگاهی در مورد نقض حقوق بشر و حمایت از مداخله بین‌المللی، همبستگی و فشار جهانی را برای تغییر بسیج می‌کند.

● **دگرگونی پویایی جنسیتی:** شاید یکی از عمیق‌ترین پیامدهای قیام، دگرگونی پویایی جنسیتی در جامعه ایرانی و کوردی باشد. این قیام با به چالش کشیدن هنجارهای مردسالارانه و دفاع از حقوق زنان، راه را برای برابری جنسیتی و فراگیری اجتماعی بیشتر هموار می‌کند.

● **تغییر در روابط قدرت:** قیام ژینا، روابط قدرت موجود در ایران و کوردستان را به چالش می‌کشد، قدرت متمرکز و دهنیت اقتدارگرا را بی‌ثبات می‌کند و فضا را برای صداها و دیدگاه‌های جایگزین باز می‌کند. قیام با توزیع مجدد قدرت و عاملیت در میان جوامع به حاشیه رانده شده، زمینه را برای جامعه‌ای عادلانه‌تر و عادلانه‌تر فراهم می‌کند.

به طور کلی، قیام ژن، ژیان، نازادی، نقطه عطفی در مبارزه برای رهایی در ایران و کوردستان است که پیامدهای گسترده‌ای برای هر دو جامعه دارد. این قیام با توانمندسازی گروه‌های به حاشیه رانده شده، تغییر شکل گفتمان سیاسی و تقویت همبستگی میان جنبش‌های مختلف، زمینه را برای تغییرات دگرگون ساز فراهم می‌کند و راه را برای آینده‌ای عادلانه‌تر و عادلانه‌تر هموار می‌کند.

بر اساس آموزه‌های عملی انقلاب ژینا می‌توان گفت که دستیابی به اهداف جنبش

ژن، ژیان، نازادی مستلزم رویکردی چند وجهی است که کنشگری مردمی، حمایت استراتژیک و همبستگی بین‌المللی را با هم ترکیب می‌کند. در اینجا چند استراتژی وجود دارد که می‌تواند به جنبش در تحقق اهداف خود کمک کند:

● **ایجاد ائتلاف‌های گسترده:** جنبش باید ایجاد ائتلاف‌های گسترده با ذینفعان مختلف از جمله سازمان‌های جامعه مدنی، گروه‌های زنان، فعالان جوانان، اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی را در اولویت قرار دهد. با ایجاد اتحاد در بخش‌های مختلف جامعه، جنبش می‌تواند تأثیر خود را تقویت کند و از قدرت جمعی برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند. اتحاد اقلیتهای ملی و زبانی و قومی و مذهبی در ایران می‌تواند پایان بخش فاشیسم ولایتی شیعی-پارسی و مانع بازگشت فاشیسم سلطنتی پارسی-شیعی باشد.

● **توانمندسازی جوامع به حاشیه رانده شده:** محور موفقیت این جنبش، توانمندسازی جوامع به حاشیه رانده شده، به ویژه زنان، جوانان و اقلیت‌های ملی، قومی و مذهبی است. سرمایه‌گذاری در برنامه‌های آموزش، مهارت‌سازی و توسعه رهبری می‌تواند به گروه‌های به حاشیه رانده شده کمک کند تا حقوق خود را حفظ کنند و جایگاه واقعی خود را در جامعه ادعا کنند.

● **حمایت و لابی راهبردی:** جنبش باید برای تاثیرگذاری بر تصمیمات سیاستگذاری، در حمایت راهبردی و تلاش‌های لابیگری شرکت کند. این می‌تواند شامل سازماندهی کمپین‌ها، بسیج حمایت عمومی، و استفاده از رسانه‌ها و کانال‌های ارتباطی برای افزایش آگاهی در مورد مسائل کلیدی و تحت فشار قرار دادن تصمیم‌گیرندگان برای اعمال تغییرات باشد.

● **مقاومت بدون خشونت و نافرمانی مدنی با حفظ حق دفاع مشروع:** مقاومت بدون



خشونت و نافرمانی مدنی می‌تواند ابزار قدرتمندی در رویکرد جنبش ژن، ژیان، نازادی باشد. جنبش با درگیرشدن در اعتراضات مسالمت آمیز، تحصن‌ها، تحریم‌ها و دیگر اشکال اقدامات خشونت آمیز، می‌تواند وضعیت موجود را مختل کند، رژیم‌های سرکوبگر را به چالش بکشد، و حمایت‌دهنده‌ای را برای آرمان خود بسیج کند. با این وجود، نمی‌توان حق دفاع ذاتی شهروندان در مقابل خشونت عریان را نادیده گرفت و در صورت لزوم می‌تواند از ابزار جنگ شهری برای مقابله با سرکوب و وحشیانه و ایجاد شکاف در صفوف قدرت استفاده بکند.

● **همبستگی و حمایت بین‌المللی:** جنبش باید به دنبال بسیج همبستگی بین‌المللی و حمایت از اهداف خود باشد. این می‌تواند شامل ایجاد اتحاد با سازمان‌های حقوق بشر، گروه‌های مدافع و متحدان دیپلماتیکی باشد که در ارزش‌ها و اهداف جنبش مشترک هستند. فشار و نظارت بین‌المللی می‌تواند به مسئول دانستن رژیم‌های سرکوبگر در قبال اقدامات خود کمک کند و اهرمی برای مذاکره درباره تغییرات مثبت فراهم کند.

● **تحول فرهنگی و اجتماعی:** دستیابی به اهداف جنبش نیز مستلزم تحول فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایرانی و کوردی است. این شامل به چالش کشیدن هنجارها و نگرش‌های توتالیتر و اقتدارگرا می‌باشد که تبعیض و نابرابری را تداوم می‌بخشد، ارزش‌های مدارا، کثرت‌گرایی و احترام به حقوق بشر را ترویج می‌کند و فرهنگ فراگیری و همبستگی را تقویت می‌کند.

● **چشم انداز و استقامت مستمر:** جنبش ژن، ژیان، نازادی باید دید بلندمدت و احساس پایداری در مواجهه با ناملایمات را حفظ کند. تغییر اغلب تدریجی است و دستیابی به تحول پایدار مستلزم تعهد و مقاومت پایدار در طول زمان است. جنبش، با وفادار

ماندن به اصول خود و استقامت در مواجهه با چالش‌ها می‌تواند در جهت اهداف خود پیشرفت معناداری داشته باشد. بدون شک جنبش ژینا، تاکنون کاراترین و ماندگارترین اثر را در این زمینه در تاریخ معاصر ایران و خاورمیانه داشته‌است.

به طور خلاصه، دستیابی به اهداف جنبش ژن، ژیان، نازادی مستلزم ترکیبی از بسیج مردمی، حمایت استراتژیک، همبستگی بین‌المللی و تحول فرهنگی است. با ایجاد ائتلاف‌های گسترده، توانمندسازی جوامع به حاشیه رانده شده، درگیر شدن در حمایت استراتژیک، و پرورش فرهنگ مقاومت غیرخشونت آمیز، جنبش می‌تواند دیدگاه خود را برای جامعه‌ای عادلانه تر و آزادتر برای همه محقق سازد.

احزاب سیاسی، سازمان‌ها و جامعه مدنی کوردستان نقش‌های تعیین‌کننده‌ای در تعقیب اهداف ترسیم شده توسط جنبش ژن، ژیان، نازادی ایفا می‌کنند. احزاب سیاسی کوردستان به عنوان نمایندگان اصلی و مدافع حقوق و منافع کوردها در عرصه سیاسی عمل می‌کنند. آنها آرمانهای جمعیت کورد را بیان می‌کنند. انقلاب ژینا به طور مطلق نشان داد که جریانهای سیاسی و احزاب کوردستان دارای ریشه و پایگاههای اجتماعی قوی بوده و همیشه همراهی و همگامی میان مردم کوردستان و احزاب کوردی وجود داشته‌است. علیرغم این هماهنگی و همگامی، نباید فراموش کرد که جامعه مدنی و کنشگران میدانی سیاسی و مدنی در کوردستان بعضاً از احزاب سیاسی کوردستان گذر کرده و حتی مطالبات رادیکالتری داشته‌اند. این روند به وضوح قابل مشاهده و درک است. بخش بزرگی از جنبش سیاسی و مدنی در کوردستان اعم از حزبی و غیر حزبی، تعارف و شرم سیاسی را کنار گذاشته و حق تعیین سرنوشت رادیکال را پیش فرض هر گونه





ائتلاف و همکاری قرار داده‌اند.

احزاب سیاسی جامعه کوردستان را بسیج و سازماندهی می‌کنند تا در فرآیندهای سیاسی از جمله تحریم انتخابات، اعتراضات و کمپین‌های حمایتی شرکت کنند. آنها از اهداف کوردی حمایت می‌کنند و بستری برای اقدام جمعی فراهم می‌کنند. احزاب سیاسی برای پیشبرد حقوق و منافع کوردها در مذاکرات و دیپلماسی با ذینفعان مربوطه از جمله مقامات دولتی، بازیگران بین‌المللی و سایر احزاب سیاسی شرکت می‌کنند. آنها به دنبال اعمال نفوذ سیاسی و کسب امتیازاتی هستند که به نفع ملت کورد باشد. به طور خلاصه، احزاب سیاسی، سازمان‌ها و جامعه مدنی کوردی، هر کدام از نقاط قوت و قابلیت‌های منحصر به فردی در تعقیب اهدافی که توسط جنبش ژن، ژیان، نازادی ترسیم شده‌است، سهمیم هستند. با کار مشترک و استراتژیک، این نهادها می‌توانند تأثیر خود را تقویت کرده و تغییرات مثبتی را برای جوامع کورد و فراتر از آن ایجاد کنند.

### نتایج و دستاوردهای قیام ژینا

میراث قیام ژینا بسیار فراتر از تأثیر فوری آن است و اثری محو نشدنی در مسیر حرکت جنبش آزادی در ایران و شرق کوردستان بر جای گذاشته است. در حالی که نتایج فوری آن ممکن است متفاوت باشد، پیامدهای بلندمدت آن عمیق است و گفتمان و استراتژی‌های مقاومت را برای نسل‌های آینده تغییر شکل داده‌است. جنبش ژینا با به چالش کشیدن وضعیت موجود و الهام بخشیدن به موج جدیدی از کنشگری، زمینه را برای جامعه‌ای عادلانه‌تر و آزادتر فراهم کرده است.

در ارزیابی نتایج و دستاوردهای قیام ژینا، توجه به نتایج محسوس و ناملموس ضروری است. از اصلاحات سیاستی گرفته تا تغییر

در آگاهی عمومی، تأثیر جنبش به اشکال مختلف در حوزه‌های مختلف جامعه آشکار می‌شود. علاوه بر این، میراث آن از طریق تلاش‌های مداوم فعالان و سازمان‌دهندگان که از اصول و آموزه‌های ژینا الهام می‌گیرند، زنده می‌ماند.

جنبش ژینا (ژن، ژیان، نازادی) به عنوان شاهدهی بر قدرت پایدار کنش جمعی در مبارزه برای آزادی و عدالت در ایران و شرق کوردستان است. ظهور آن لحظه‌ای تعیین کننده در تداوم تاریخی مقاومت است که درس‌ها و بینش‌های ارزشمندی را برای نسل‌های آینده ارائه می‌دهد. جنبش ژینا با تجسم اصول همبستگی، انعطاف پذیری و عدم خشونت با حفظ حق دفاع مشروع ذاتی، امکانات اقدام جمعی را در مواجهه با ناملايمات بازتعریف می‌کند.

میراث قیام ژینا با تأثیر پایدار آن بر جامعه مدنی، توانمندسازی زنان، بسیج جوانان و فعالیت سیاسی کوردها مشخص می‌شود. این جنبش با به چالش کشیدن ساختارهای قدرت استبدادی و متمرکز و پرورش فرهنگ مقاومت، زمینه را برای تغییرات اجتماعی پایدار فراهم می‌کند. انقلاب ژینا از طریق اقدام جمعی و همبستگی، امید و استقامت را در برابر ناملايمات القا می‌کند.

جنبش ژینا (ژن، ژیان، نازادی) به عنوان یک نیروی دگرگون کننده در مبارزه برای آزادی و عدالت در ایران و شرق کوردستان ظهور کرد. ژینا با توانمندسازی جامعه مدنی، زنان، جوانان و بازیگران سیاسی کورد، گفتمان و پویایی مقاومت را تغییر می‌دهد و الهام‌بخش نسل جدیدی از فعالان متعهد به تغییرات اجتماعی، قدرت پایدار اقدام جمعی و همبستگی در پیگیری جامعه‌ای آزاد و رها و دموکراتیک و برابر، برای همه را یادآور می‌شود. علیرغم میراث ماندگار و دستاوردهای بی‌بدیل انقلاب ژینا، جنبش ژن، ژیان، نازادی



رسیده و مناسبت‌های ارباب-رعیتی و ولی-مولی‌علیه مبتنی بر انقیاد حاشیه و استیلای مرکز با انحطاط جدی مواجه گشته و امکان بقا و بازگشت ندارند و احزاب سیاسی و اپوزسیون فارغ از شرم سیاسی، پیش فرض هرگونه هم‌پیمانی و ائتلاف را بر حق بنیادین تعیین سرنوشت بدون هیچ گونه تبعیضی برای همه قرار دهند. هر نظمی که مبتنی بر استیلا و انقیاد باشد به طور کامل رد شده و جامعه مدنی و خیابان پویا، صرفاً به هم زدن نظم موجود و تلاش برای ایجاد یک نظم افقی بدون هیچ گونه نظم تحمیلی و کدخداگونه را به همه جریانها و کنشگران سیاسی گوشزد می‌کند. شعارهای کوردستان و دیگر خیابانهای ایران گویای این رویکرد بوده و مانیفست این انقلاب را بارها برای همگان تبیین نموده است. رژیم در تهران فاشیست است و در کوردستان اشغالگر. مرگ بر ستمگر؛ چه شاه باشد، چه رهبر. کانون اصلی انقلاب ژینا بر این دو گزاره مبتنی بوده و پیام اساسی آن برای همه مخاطبان، همین دو جمله می‌باشد.

با چالش‌ها و موانع متعددی در پیگیری برابری جنسیتی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر مواجه‌است.

نگرش‌های مردسالارانه و تبعیض جنسیتی، سرکوب دولتی و نقض حقوق بشر، نابرابری اقتصادی و حاشیه‌نشینی اجتماعی، گسست و تکه تکه شدن و تقسیمات درون جنبش زن، ژینا، نازادی، مداخله خارجی و پویایی ژئوپلیتیکی و تضادها و منافع رقابتی میان بازیگران داخلی اپوزسیون و بازیگران بین‌المللی، ممکن است تنش‌های موجود را تشدید کند و تلاش‌ها برای پیشبرد حقوق و آزادی‌های زنان را تضعیف کند. غلبه بر این چالش‌ها مستلزم تلاش‌های مستمر، همبستگی و ائتلاف‌های راهبردی در داخل جامعه ایران و کوردستان و در صحنه بین‌المللی است.

جنبش زن، ژینا، نازادی، با پیشاهنگی جامعه مدنی حامل یک پیام اساسی برای نهاد قدرت در ایران و همچنین احزاب و گروه‌های سیاسی به صورت مشخص می‌باشد. این که نظام خدا-شاه محوری به پایان